

آشنایی با
هنر دقیق خواندن
براساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی

ریچارد پل، لیندا الدر

ترجمه‌ی پیام یزدانی



نشر اختران

سرشناسه	: پل، ریچارد Paul, Richard
عنوان و نام پدیدآور	: آشنایی با هنر دقیق خواندن بر اساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی / ریچارد پل، لیندا الدر
مشخصات نشر	: تهران : اختران ، ۱۳۹۸ .
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ ص:؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-964-207-180-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Thinker's Guide to How to Read a Paragraph : the Art of Close Reading , 2003
موضوع	: تفکر انتقادی
موضوع	: Critical thinking
شناخت افزوده	: الدر، لیندا، ۱۹۶۲ - م.
شناسه افزوده	: Elder, Linda
شناخت افزوده	: یزدانی، پیام، ۱۳۴۷ - ، مترجم
ر. ب. پندی کنگره	: ۴۴۱BF
رده بنس دیوید	: ۴۲/۰۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۶۸۸۰۰



نشر اختران

آشنایی با هنر دقیق خواندن
بر اساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی

ریچارد پل و لیندا الدر

مترجم: پیام یزدانی

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیان - چاپ و صحافی چکاد چاپ

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۰۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran
www.akhtaranbook.ir - Insta.: akhtaranpub - akhtaranbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۰۳۸-۱

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۱۳۰۰۰ تومان

فهرست

بخش نظری

۹	پیش فرض این کتاب
۹	خواندن هدفمند
۱۱	رجه به مقصود نویسنده
۱۲	تأسیس «نقشه»ی دانش
۱۷	پرهیز از خواندن نوشتن تأثیرپذیرانه
۱۷	خواندن اندیشه‌مندانه
۱۸	تفکر درمورد خواندن درحین خواندن
۱۹	ورود به متن
۱۹	کتاب‌ها را به چشم آوزگار ببیند
۱۹	ذهن خواننده
۲۲	کار خواندن
۲۲	پنج مرحله‌ی دقیق خواندن
۲۶	خواندن ساختاری
۲۷	خواندن جمله‌ها
۲۸	خواندن پاراگراف‌ها
۲۸	خواندن متن درسی
۳۱	خواندن روزنامه
۳۲	خواندن سرمقاله
۳۴	تسلط یافتن بر آنچه می‌خوانید: نشانه‌گذاری
۳۷	خواندن به منظور آموختن
۳۷	خواندن به منظور فهم نظام‌های فکری
۳۸	خواندن در چهارچوب رشته‌های درسی
۳۸	هنر دقیق خواندن

بخش عملی

- تمرین‌هایی برای دقیق خواندن ۴۱
- اعلامیه‌ی استقلال آمریکا (توماس جفرسن و دیگران) ۴۱
- نافرمانی مدنی (هنری دیوید ثورو) ۵۱
- آمریکایی قرن نوزدهم (هنری استیل کاماگر) ۶۰
- هنر عشق ورزیدن (اریک فروم) ۶۶
- باورهای نیندیشیده (مارک تواین) ۷۵
- طغان توده‌ها (خوزه ارتگا ئی گاست) ۷۹
- مرید راستین (اریک هوفر) ۸۳
- نهمین آموزگار جهان (هنری نیومن) ۸۷

پیوست‌ها

- پیوست یکم: نمونه‌هایی از نقل به معنای ۹۳
- پیوست دوم: منطق یک مقاله ۹۵
- پیوست سوم: منطق یک کتاب ۹۷
- پیوست چهارم: منطق بوم‌شناسی ۹۸

بخش نظری

پیش فرض این کتاب

اگر بتواند پاراگراف را خوب بخواند، فصل را هم می تواند خوب بخواند چون هر فصل کتاب چیزی نیست جز مجموعه ای از پاراگراف ها. و اگر فصل را بتواند خوب بخواند، کتاب را هم می تواند خوب بخواند چون هر کتاب چیزی نیست جز مجموعه ای از فصل ها.

خواندن هدفمند

خواننده ی اهل مطالعه باری بهر جهت کتاب را نمی خواند؛ بلکه هدفمند می خواند. هدف چنین خواننده ای، به علامه ی جنس متنی که می خواند، تعیین کننده ی نحوه ی خواندن اوست. چنین خواننده ای بسته به شرایط به شیوه های مختلف و به هدف های مختلفی می خواند. اما در هر حال هدف کلی همه ی خواننده ها یکی است: می خواهند با چند حرف حساب نویسنده در مورد موضوع چیست.

ما در حین خواندن کلمات را به معنا ترجمه می کنیم. نویسنده هم پیش تر همین کار را کرده: اندیشه ها و تجربه هایش را به کلام ترجمه کرده. کاری که ما باید بکنیم این است که همین کلمه ها را بخوانیم و از نو ترجمه شان کنیم به معنایی که نویسنده در اصل در نظر داشته. منتها بر مبنای به کمک اندیشه ها و تجربه های خودمان. ترجمه ی دقیق کلمات به معنای مورد نظر نویسنده آمیزه ای است از تحلیلگری و سنجشگری و خلاقیت. اما متأسفانه کسانی که در چنین «ترجمه» ای مهارت داشته باشند اندک شمارند. اندک شمارند کسانی که بتوانند دقیقاً و عیناً معنای مورد نظر نویسنده را بازنمایی کنند. اغلب

ناخواسته معنایی را که نویسنده در اصل در نظر داشته مخدوش یا تحریف می‌کنند. به تعبیر هوراس مان^۱:

من زحمات فراوان متحمل شده و دقت بسیار مبذول داشته‌ام تا دریابم در مدارس ما، درس قرائت تا چه حد به معنای به‌کار انداختن ذهن برای تفکر و احساسات است و تا چه حد در حکم لقلقه‌ی زبان. اطلاعات من برگرفته از اظهارنامه‌های اعضای هیئت‌های امنای مدارس شهرهای مربوطه است - آقایان محترمی که بی‌شک هیچ انگیزه‌ای برای بدنام کردن مدرسه‌ای که اداره‌اش می‌کنند ندارند استنباط من این است که در کلاس‌های قرائت از هر ۱۲ دانش‌آموز ۱ نفرشان معنای آنچه را می‌خوانند نمی‌فهمند، و اندیشه‌هایی که مؤلف قصد انتقال آن‌ها و احساساتی که وی قصد برانگیختن آن‌ها را در ذهن خواننده داشته، اکنون در نیت نویسنده مانده و به مقصد نمی‌رسد (دومین گزارش به شورای آموزش ریات ماساچوست، ۱۸۳۸).

پس به طور کلی ما تنها می‌خوانیم تا منظور نویسنده را بفهمیم. در وهله‌ی بعد، طرز خواندن ما بستگی دارد به مقصودمان از خواندن و نوع متن. مثلاً اگر قصدمان فقط لذت و سرگرمی باشد، اینکه متن را کاملاً بفهمیم شاید چندان اهمیتی برای ما نداشته باشد. فقط از خیلای که متن در ذهن ما برمی‌انگیزد لذت می‌بریم. هیچ عیبی هم ندارد، به شرطی که حواس ما باشد این جور خواندن به معنای درک عمیق متن نیست. به طرک کار می‌شود گفت وقتی چیزی می‌خوانیم قصدمان این‌هاست:

۱. لذت صرف که مهارت خاصی لازم ندارد.
۲. درک اجمالی که احیاناً مستلزم گزیده‌خوانی^۲ متن است.
۳. کسب اطلاعات فنی مشخص که مستلزم مهارت در گزیده‌خوانی است.

۱. Horace Mann (۱۷۹۶-۱۸۵۹): نظریه‌پرداز آموزش و پرورش و اصلاح طلب آمریکایی.

۲. به جای skimming. مرور سریع و اجمالی متن بدون توجه به جزئیات.

۴. ورود به یک جهان‌بینی جدید و فهمیدن و شناخت آن، که مستلزم مهارت در دقیق‌خوانی است به‌منظور تعمق درمورد پرسش‌ها و مسائلی که موجب وسعت ذهن ما خواهد شد.

۵. یادگیری یک رشته‌ی جدید که مستلزم مهارت در دقیق‌خوانی است به‌منظور درونی‌سازی و اشراف بر نظامی مدون از معناها.

نحوه‌ی خواندن شما را باید تا حدودی چیزی که می‌خوانید معین کند. خوانندگی اندیشمند متنی درسی را در قیاس با مثلاً مطلبی که در روزنامه آمده با ذهنیت متفاوتی می‌خواند؛ یا حتی وقتی دارد متنی درسی در زمینه‌ی زیست‌شناسی می‌خواند، طرز خواندنش فرق می‌کند با موقعی که دارد متن درسی در رشته‌ی تاریخ می‌خواند.

گذشته از همین تفاوت‌هایی، خواندن هر متنی مستلزم برخی تمهیدات و مهارت‌هاست. موضوع اصلی این کتاب هم همین تمهیدات و مهارت‌هاست.

توجه به مقصود نویسنده

علاوه بر روشن بودن مقصودمان از خواندن، مقصود نویسنده از نوشتن متن هم باید برایمان روشن باشد. هر دو این‌ها در فهم متن مربوط می‌شوند. مثلاً نمونه‌هایی را که در ادامه آمده در نظر بگیرید. فکر کنید با توجه به مقاصد متفاوت هرکدام از این نویسنده‌ها احتمالاً چه عیب‌ری در نحوه‌ی خواندن‌تان خواهید داد:

- سیاستمداران و مشاوران رسانه‌ای آن‌ها که متن‌های انتخاباتی را تنظیم می‌کنند؛
- سردبیران مطبوعات که تعیین می‌کنند چه گزارش‌هایی برای مخاطب جذاب‌تر است و برای حفظ این جذابیت گزارش را چگونه باید نوشت؛
- نویسندگانی که به سفارش شرکت‌های بازاریابی متن‌های تبلیغاتی می‌نویسند (به منظور فروش کالاها یا خدمات)؛
- شیمی‌دانی که گزارش آزمایشگاه می‌نویسد؛

- رمان‌نویسی که رمان می‌نویسد؛
- شاعری که شعر می‌نویسد؛
- دانشجویی که گزارش تحقیق می‌نویسد.

برای خواندن ثمربخش، مقصود شما از خواندن باید با در نظر گرفتن مقصود نویسنده از نوشتن باشد. مثلاً اگر مقصودتان از خواندن یک رمان تاریخی آگاهی از رویدادهای تاریخی است، نمی‌توانید از دقیق بودن آنچه در آن آمده مطمئن باشید مگر اینکه در آن زمینه به کتاب‌های تاریخی و منابع معتبر هم رجوع کنید. هر جا رمان‌نویس به تبع مقصودش تخیل و واقعیت را در هم آمیخته، با واقعیت و تخیل را از هم جدا کرد تا مقصود خواننده که پیگیری وقایع تاریخی است حاصل شود.

تنظیم «نقشه»ی دانش

دانش در «نظام»‌هایی از سلسله‌ها وجود دارد که متشکلند از انگاره‌های اولی، انگاره‌های ثانوی، و انگاره‌های پیرامونی.^۱ هر سه‌ی این‌ها متقابلاً به هم مربوطند. سه دایره‌ی تودرتو را تصور کنید که دره‌ک‌ها آن‌ها دایره‌ی کوچک‌تری است به نشانه‌ی انگاره‌های اولی، و دورش را دایره‌ی بزرگ‌تر انگاره‌های ثانوی احاطه کرده، و دایره‌ی بیرونی هم انگاره‌های پیرامونی است. انگاره‌های اولی، در مرکز، توضیح‌دهنده‌ی انگاره‌های ثانوی و پیرامونی است. وقتی به‌منظور دستیابی به دانش چیزی می‌خوانیم، اول از همه باید بر انگاره‌های اولی اشراف پیدا کنیم چون در حکم کلید درک تمام انگاره‌های دیگرند. علاوه بر این، وقتی به درکی اجمالی از انگاره‌های اولی برسیم، می‌توانیم به تدریج در درون آن نظام تفکر کنیم. و وقتی بتوانیم در درون نظامی بیندیشیم، آن نظام در ذهن‌مان معنادار خواهد شد.

1. Primary ideas, secondary ideas, peripheral ideas



انگاره‌های بنیادی: مطالعه‌ی دقیق درباره‌ی انگاره‌های اولی و ثانوی یک رشته کلید درک آن رشته است.

بنابراین وقتی انگاره‌های بنیادی تاریخ را بفهمیم، هم کم‌کم مستلزم تاریخی بیندیشیم. اگر انگاره‌های بنیادی علم را بفهمیم، کم‌کم می‌توانیم علمی بیندیشیم. انگاره‌های بنیادی یا اولی در حکم کلید نظام‌های مختلف دانش هستند. آموختن واقعی هر رشته و درونی‌سازی و کاربرد این آموخته‌ها هم مستلزم فهم انگاره‌های بنیادی آن رشته است.

وقتی انگاره‌های بنیادی یک رشته را فهمیدیم، باید ربط آن را هم با انگاره‌های بنیادی سایر نظام‌های دانش پیدا کنیم؛ چون دانش نه تنها در درون یک نظام خاص، بلکه در مناسبات میان تمام نظام‌های دانش دیگر وجود دارد.

به این منظور باید یاد بگیریم وقتی کتابی را می‌خوانیم، هم انگاره‌های بنیادی آن را بفهمیم و هم نظامی را که آن کتاب معرف آن است. وقتی بر انگاره‌های بنیادی یک رشته اشراف پیدا کنیم، انگاره‌های بنیادی سایر نظام‌های دانش را هم راحت‌تر می‌فهمیم. وقتی یاد بگیریم از منظر یک نظام دانش بیندیشیم، تفکر از درون نظام‌های دیگر هم راحت‌تر می‌شود.

ثلاً وقتی در رشته‌ی گیاه‌شناسی یاد می‌گیریم همه‌ی گیاهان از سلول‌هایی شکل شده‌اند، باید این انگاره را ربط بدهیم به اینکه همه‌ی حیوانات هم سلول‌هایی دارند (واقعیتی که موقع خواندن رشته‌ی زیست‌شناسی یاد می‌گیریم). آن وقت می‌توانیم به شباهت‌ها و تفاوت‌های سلول‌های گیاهان با سلول‌های جانوران توجه کنیم.

یا مثلاً رابطه‌ی میان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را در نظر بگیرید. روان‌شناسی اصولاً به رفتار فرد می‌پردازد درحالی‌که توجه جامعه‌شناسی بیش‌تر به رفتار گروه است. اما کلیات روان‌شناختی فرد بر نحوه‌ی طرف شدن او با هنجارهای گروه اثر می‌گذارد. درعین حال نحوه‌ی طرف شدن فرد با مشکلات و فرصت‌ها را هم گروه‌های اجتماعی تعیین می‌کنند. یافتن و فهم انگاره‌های بنیادی این دو رشته و مربوط کردن این انگاره‌ها در روند خواندن، باعث می‌شود بهتر بفهمیم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی چگونه چطور در زندگی ما در هم تنیده شده‌اند.

در صفحه‌ی بعد نمونه‌ای از آن «نقشه‌ی دانش» می‌بینید که دانشجو در ذهن خود می‌سازد. این نقشه نشان‌دهنده‌ی ساختاری است که دانشجو می‌تواند از آن برای رسیدن به چشم‌اندازی از روند آموختن استفاده کند. این نمودار به دانشجو کمک می‌کند منطق هر رشته را دریابد و درعین حال شباهت‌ها و تفاوت‌های انگاره‌ها و مفاهیم بنیادی رشته‌ها را تشخیص دهد. در صفحه‌ی بعد از آن نیز نقشه‌ی دانش دیگر آمده که مناسبات میان رشته‌ها را نشان می‌دهد.